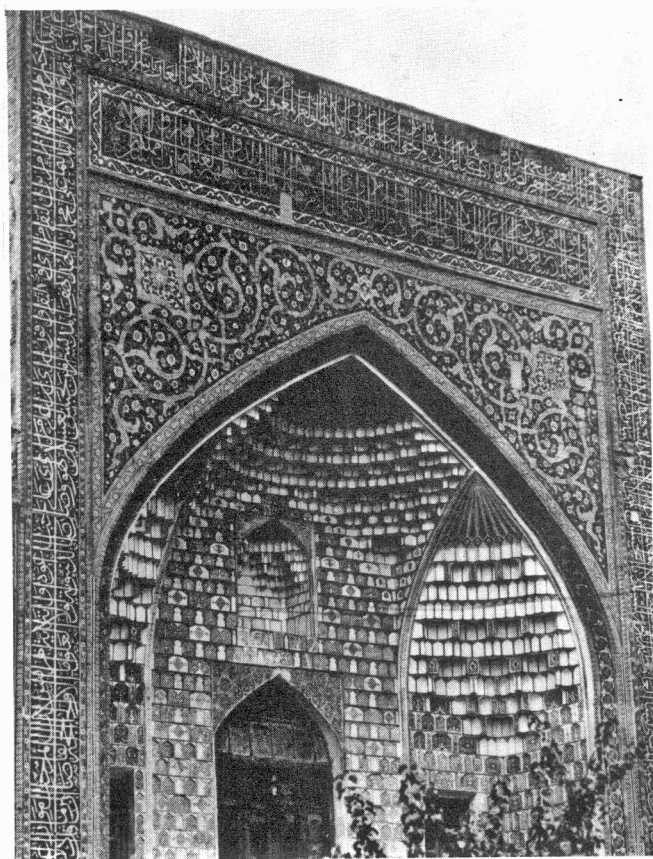


۱۳۲۹ - ۱۳۷۷

# گوهرهایی که خاک شدند

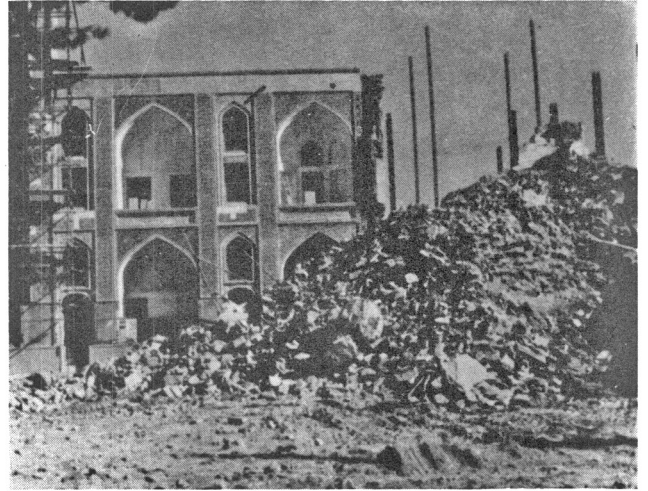
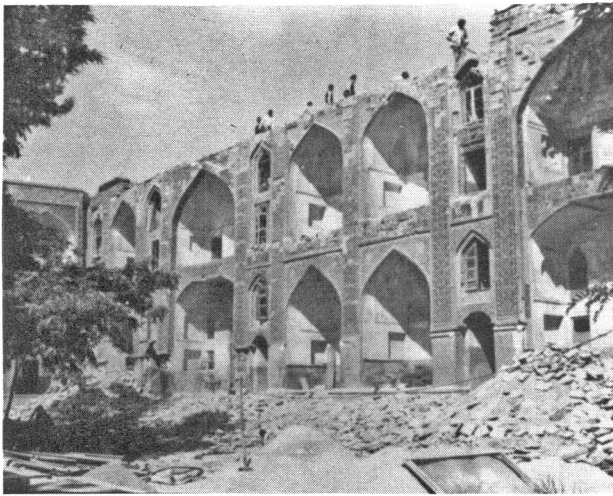
## مسجد میرزا جعفر - مشهد



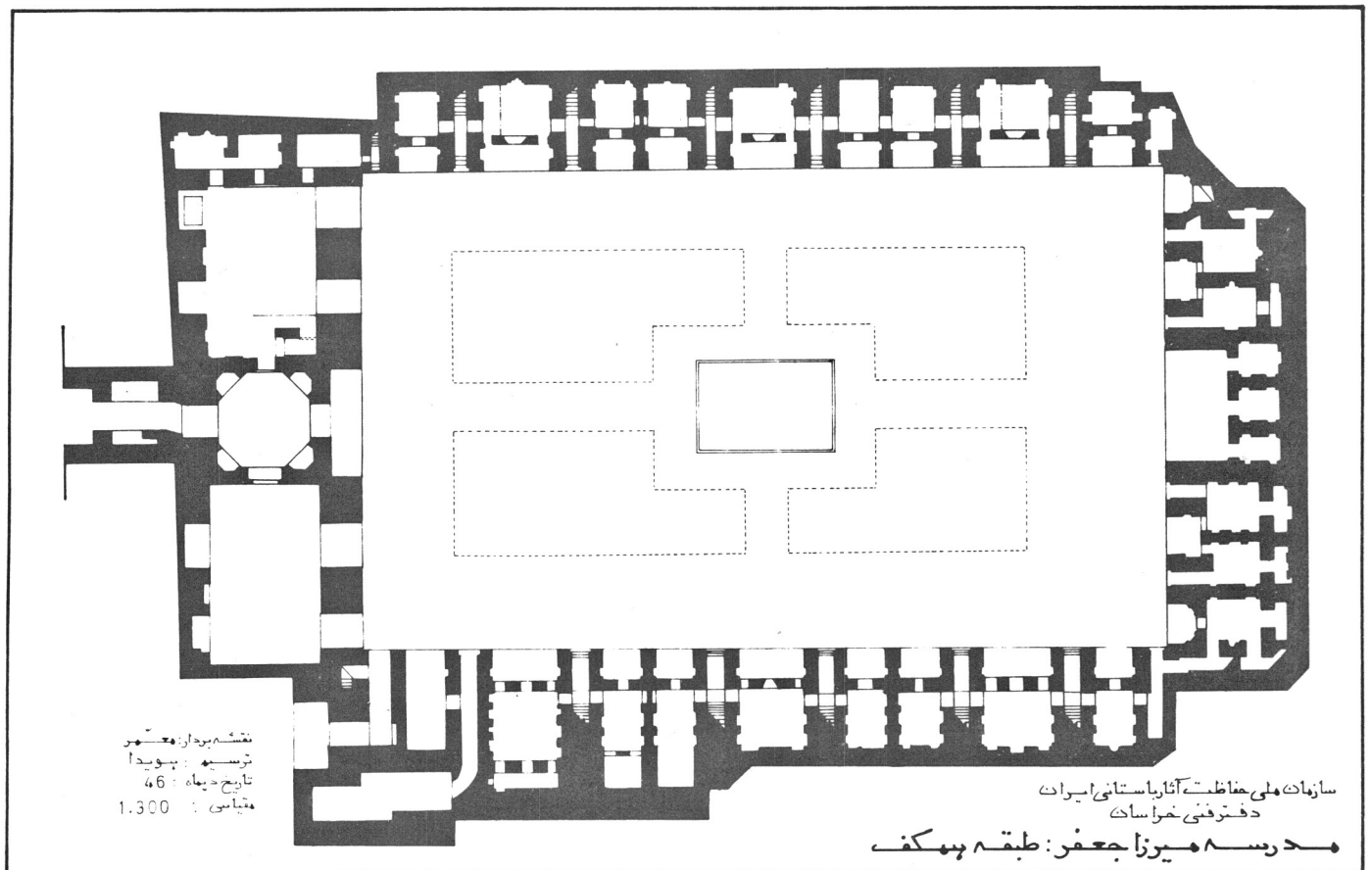
مدرسه میرزا جعفر حاصل دسترنج و هنر کارگران و هنرمندان ایران است که در سال ۱۰۵۹ قمری میزیسته‌اند . این مردم سیصد و چهل و یک سال پیش کوشش و نبوغ خود را بکار گرفتند و چنین بنای بدیعی را بوجود آوردند . این مدرسه طلاب امور دینی از دیدگاه ارزشهای هنر معماری برجسته ترین بنائی است که در مجموعه بناهای تاریخی حرم مطهر حضرت رضا (ع) وجود دارد . تناسب جزرها و دهانه ها ، ارتفاع غرفه ها و ایوانها ، کاشیکاریهای معرق با رنگ آمیزی و طراحی عالی و ملاحظات زیادی که در حجم بنا وجود دارد و همچنین مقرنس بی نظیر ایوان شمالی و جنوبی و اتاقهای داخلی آن با پوششهای زیبا و دلنشین از مواردی هستند که میتوان در این مجمل از آنها نام برد .

براستی چرا ( قسمت شرقی و غربی ) این بنا با دریغ بسیار از بین رفت . اگر آنرا مثل اهرام مصر بظلم ساخته بودند باید میباند تا گواه جنایات عصر خویش باشد . و اگر برغبت و

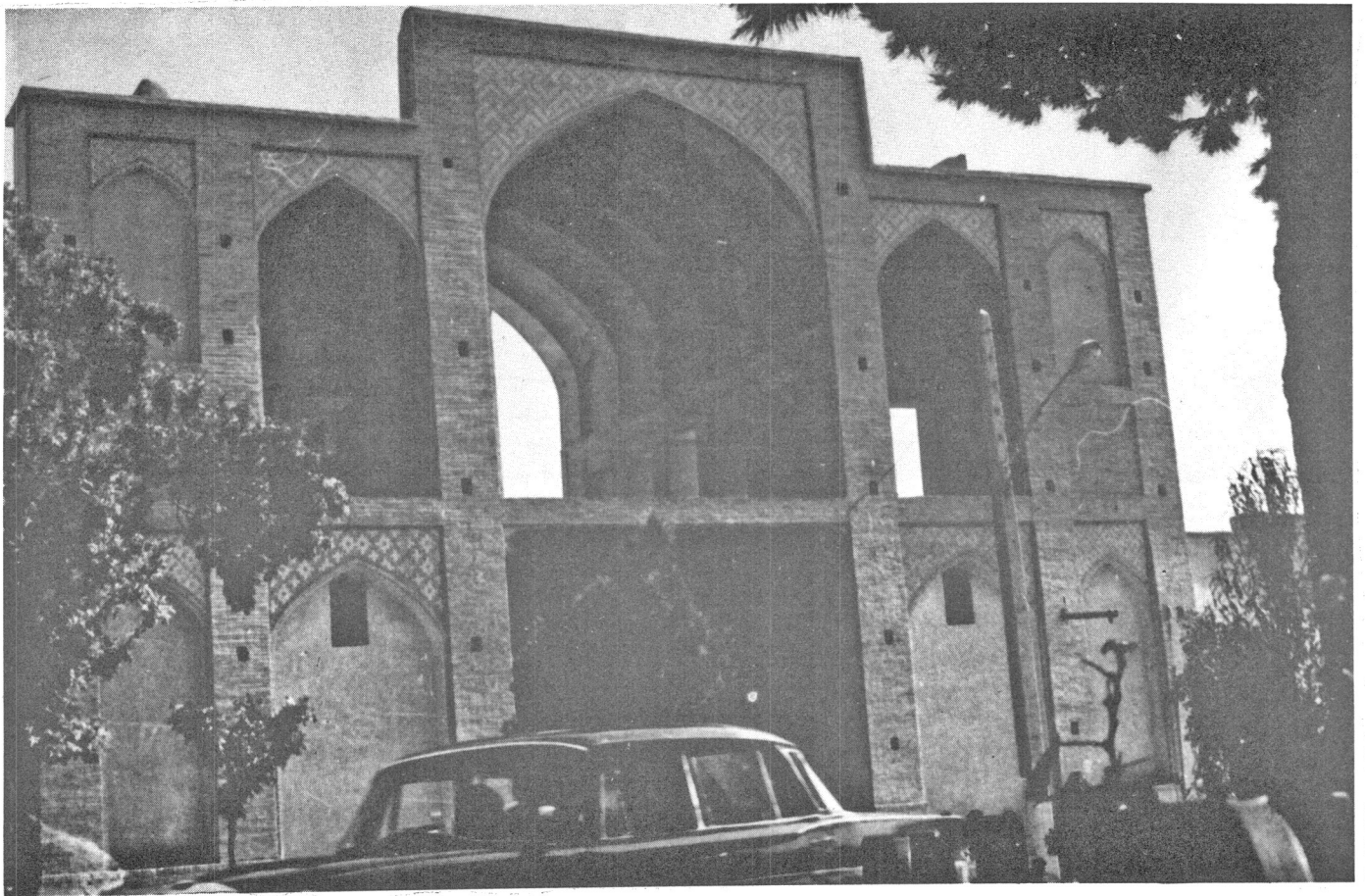
عنایت ساخته شده بود باز باید میباند تا معرف هنر و معرفت عصر خویش گردد .



## چند عکس از شیوه تخریب یک اثر تاریخی







### دیوانخانه پس از تعمیر

آفرینان در گوشه و کنار شهر در باغ زیبا ولی غمگینش که مقتل امیرکبیر است و در پیچا پیچ جویها و نهرها و درزوایای کوشک‌هایش در مسجد بزرگ شهر و در مدرسه دینی‌اش - در بازار و خانه‌هایش در خم و راست کوچه پس کوچه‌هایش - در جائیکه آب خنک و گوارا را بر دوش میکشند و از سی چهل پله بالا می‌برند - در بادگیرهایش و در سرداب‌های خنکش ، دست‌های معماران - نقاشان هنرمندان چه زیباییها که آفریده‌اند . میخواست بیننده را بدنیایی دیگر ببرد و با وجودیکه در خودش زیباییها و ظرافتها و ریزه کاریهای فراوانی بود همیشه تک و تنها بدون اینکه حتی یک نفر هوس دیدنش را کند خودش را سپر بلا کرده بود و معرف و راهنمای شهر - افسوس که تاب تحملش را نداشتند و برای اینکه اتومبیلشان راحت تر برود - سریعتر بتازد و فرمان پیکان را کمی راست و چپ نکنند با پیکان کینه و نفرت و با تیغ آهنین ماشین های خرد کننده ساخت و تحفه غرب چنان تاختند که

## دیوانخانه - کاشان

بنای سردر عمارت دیوانخانه در کاشان قرار بود تبدیل به کتابخانه عمومی شود ، عده‌ای میگفتند بهتر است موزه باشد و بعضی از مردم هم آنرا فقط بخاطر اینکه یک اثر باستانی بود دوست داشتند و معتقد بودند که این بنا با خاطراتی که در ذهن بیننده زنده میکند و اینکه از حوادث و تاخت و تازهای چون حمله افغان و زلزله‌های متعدد جان سالم بدر برده بر پیشانی شهر میدرخشد و هرتازه واردی را که بشهر می‌آید به دیدار آثار دیگر کاشان فرا میخواند و به غریب تازه وارد القاء میکند که اینجا شهر دیگریست در حاشیه کویر که آثار زیبایی در دل نهفته دارد و نباید زود از آن گذر کرد . جلو واردین رامیگرفت و بداخل شهر هدایتشان میکرد چنین بود که میگوید سرسری از اینجا مگذرید که زیبایی هائی دارد و دست هنرمندان و زیبا



دیوانخانه در حال تخریب

پس از تخریب کامل



دیگر اثری از آن بر جای نماند. نه از آن قوسهای زیبا و کلبل‌هایش و نه از تناسبات زیبای هشتی و تالارش و نوازکاشیکاری و آجر چینی نمایش که با متانت و وقار بیش از سه قرن و نیم استوار ایستاده بود و با نگرشی محزون و همیشگی از دور جفت خود را که در کنار باغ فین بود تماشا میکرد آری از عمارت دیوانخانه‌کاشان میگوئیم بنائی که بیش از سیصد سال از همه‌گونه حوادث و مصائب جان بدر برده بود ولی از دست تمدن از غرب آمده نتوانست بگریزد و شکست خورد. بعضی میگویند زمین‌داران بزرگ که او بدانش پست کرده بود برایش این نقشه را ریختند بعضی‌ها از نام دیگری اسم میبردند و عده‌ای هم بدون آنکه بدانند چه میکنند و چه چیز را نابود میکنند کلنگ‌هایشان را بر سرش میکوفتند و هستی‌اش را به یکباره برباد دادند. درجایش که الان خالیست. ایستگاه مینی‌بوسهای آران و میدان تره بار و غیره قرار گرفته زیرا جایش چیزی نمیتواند بگذارند که نه آن دستان هنرمند دیگر وجود دارد و نه آن حوصله و وقت. ممکن است پوششی از آسفالت گرم جایش را صاف کند و راه عبور کامیون‌های کوره‌های آجر و گچبری را هموار سازد.

بنای سردر مهمانسرای صفویه یا عمارت دولتخانه یاد دیوانخانه که به ساختمان تلگرافخانه کاشان معروف بود باقیمانده اینبه مهمانسرای بزرگ کاشان در زمان صفویه است که بوسیله چهار باغی از اینسوی شهر به مجموعه باغ فین ارتباط داشته و طول این فاصله که به ۹ کیلومتر میرسد چهار باغ بود که دیگر آثاری از آن بجای نمانده است. فقط تا زمان ما همین سردر بود که به سردر باغ فین میمانست و انگار معمار و نقشه هر دو یکی است لیکن بعلت عدم مراقبت در حفظ و نگهداری این بنای بزرگ و چهار باغی که مقابل آن تا باغ فین امتداد داشته و بعلت زلزله‌های شدید دوران زندیه قسمت‌های اعظم این بنا بکلی منهدم و فقط ساختمان سردر و عمارت دولتخانه که محل پذیرائی دولتی بود از آن باقیماند.

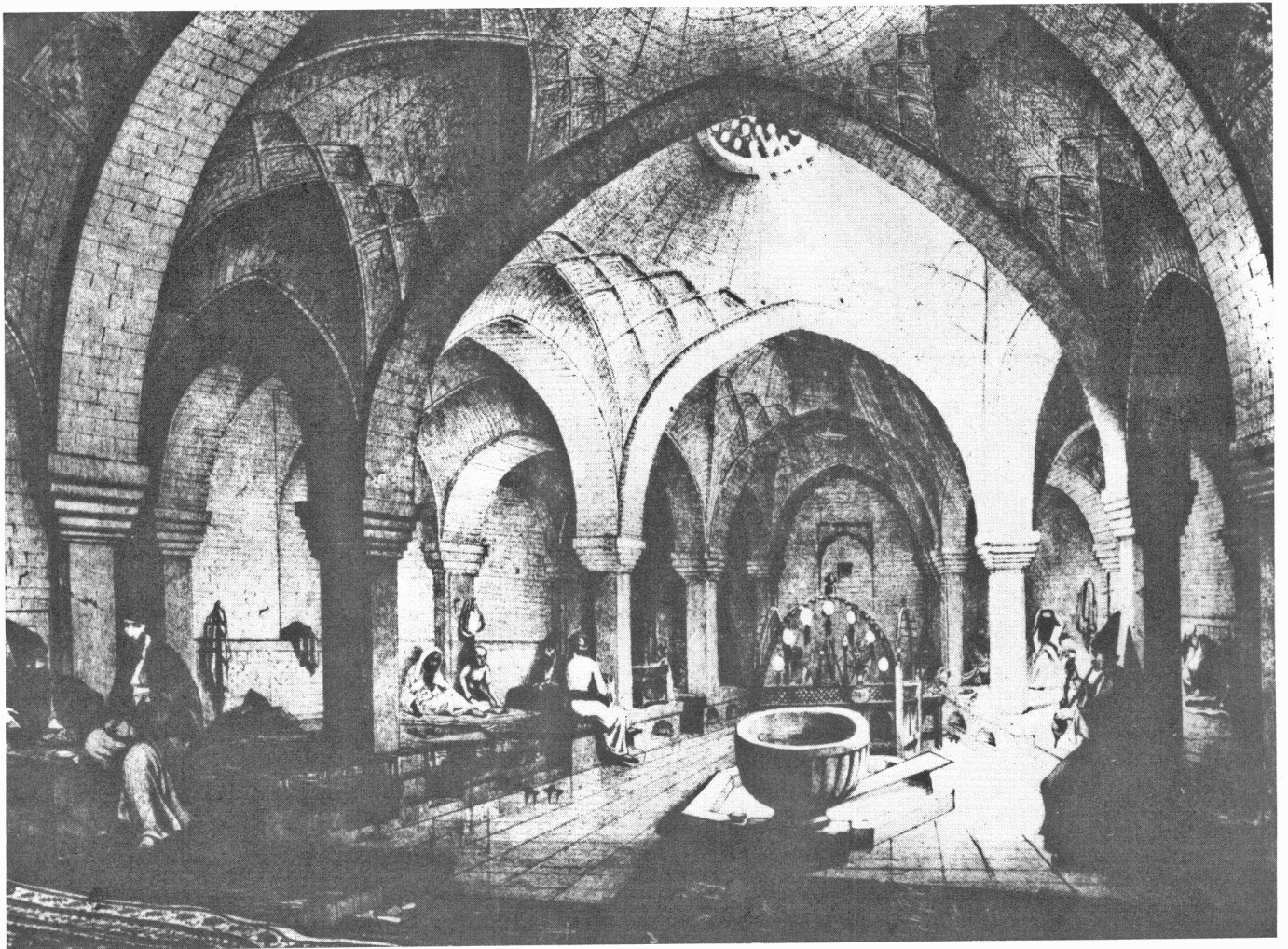
این عمارت که در تاریخ ۱۳۵۲/۴/۵ بشماره ۹۴۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و قاعدتا "میباستی بیشتر و بهتر حفظ و نگهداری گردد دارای دو طبقه ساختمان بود که طبقه اول آن پس از سردر ورودی - هشتی و در دوطرف دوسکو که به اطاقهائی ارتباط پیدا میکرد. در مقابل هشتی ورودی - نیز اطاق بزرگی قرار داشت که از دو طرف راه ارتباطی با هشتی داشت. و از دو طرف سکوها پلکانهائی به طبقه فوقانی ارتباط پیدا میکرد. در طرفین این بنا و در اتصال به آن نیز اطاقهائی وسیعتری قرار داشت که احتمالاً "سربازخانه یا پاسدارخانه میبود

طبقه دوم شامل تالاری وسیع در وسط و دو ایوان بزرگ در دو طرف و چهار گوشواره در چهار گوشه بود که با یک رشته پلکان به پشت بام ارتباط مییافت.

مشهور است که شاه عباس دوم صفوی در تالار فوقانی این عمارت تاج بر سر نهاد و گویند تالار محل پذیرائی و مهمانیهای دولتی هم بوده و از سیاحان و مستشرقین عصر در این عمارت پذیرائی میشده است. بعدها حدود یکصد سال قبل تبدیل به تلگرافخانه گردید و تا همین اواخر در اختیار اداره پست و تلگراف کاشان بود - نمای خارجی بنا کاملاً " سالم و دست نخورده باقیمانده بود لیکن داخل بنا تغییر و تبدیلات زیادی یافته بود که تا حدودی در تعمیرات اخیر که توسط دفتر فنی سازمان در کاشان انجام گرفته بود بصورت اول باز گردانده شد.

برش افقی آن کاملاً "شبه سردر باغ فین بود و در تعمیرات هر دو بنا از قسمت‌های سالم باقیمانده در بنای دیگر برای مرمت و بازپذیرائی استفاده میشد. تعمیرات آن توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و دفتر فنی کاشان از سال ۱۳۵۲ شروع و چندین سال ادامه یافت و تکمیل گردید.

این عمارت در روز جمعه یازدهم اسفند ماه سال ۱۳۵۷ منهدم و تخریب گردید بطوریکه هیچگونه اثری از آن بر جای نمانده است.



## حمام خسرو آقا - اصفهان

نداشته است .

این آثار مدارکی از فنون و تفکر و فلسفه معماری ما هستند . چنانچه جنایتکارانی ضد مردم و ضد فرهنگ و اتکاء به حکومتی قلدر چند صباحی از این نمونه‌های علمی و هنری معماری استفاده‌های نامناسبی کردند پاسخ مناسب همان بود که مردم به آنها دادند . دیگر منفجر کردن آثار معماری که احتمالاً " برای امتداد یک خیابان و یا چیزی شبیه به آن انجام گرفته‌شایسته فرهنگ انقلابی

اگر ارزشهای معماری گذشته سرزمینمان را نادیده بگیریم . ناچار خواهیم بود تا ابد به تقلید از الگوهای معماری غربی به پردازیم و نسل جوان ما گمان خواهند برد که هیچ تفکر و تکنیک و سنت معماری غیر از آنچه که در غرب به آن دسترسی دارد وجود

دوران کنونی نیست و چه بسا آنرا لکه دار خواهد کرد .

باید تمام جناحهای انقلابی باروشنگری و افشاگری ریشه‌های واقعی دردها و جلوگیری از عملیات منحرفی نظیر انفجار حمام قدیمی در سامان دادن به فرهنگ انقلابی و تجهیز و تکامل آن دلسوزانه شرکت جویند .

رهبر بزرگ انقلاب در سخنانشان خطاب به صنعتگران اصفهانی اشاره‌ای داشتند به کیفیت و تکنیک کاشی‌های سردر مدرسه فیضیه قم و اینکه چگونه صنعتگر مسلمان ایرانی روزگاری توانائی تولید محصولی را داشته است که نه تنها در زمان خود بی نظیر بوده بلکه امروز هم با تمام ابزار و آلات جدید قادر نیستند از آن تقلید کنند .

تولید کردن و ساختن آنهم بدست خود و با فکر خود یکی از محورهای اصولی حرکت انقلابی ما را تشکیل میدهد .

امروز احیاء تولید ملی و بومی در هر زمینه و در تمام ابعاد آن اعم از تفکر تولیدی، ایمان تولیدی، فلسفه تولیدی، فرهنگ تولیدی و بالاخره سازمان و سنت تولیدی تا مسائل مربوط به بازار و غیره که باموسرزمین ما و مردم مارتعلق دارد از پشتوانه‌های ارزنده حرکت انقلاب اسلامی ماست .

امروز قبل از هر چیز باید متقاعد شویم که میتوانیم بسازیم و نیازهایمان را در اکثر موارد برطرف کنیم چگونه است که در یک چنین مرحله‌ای از تاریخ ساخته‌های علمی و فنی و نمونه‌های عالی از محصولات بومی خود را در زمینه معماری نادیده میگیریم و منهدم می‌کنیم؟ بخاطر چه؟ و چه چیزی جای آن خواهیم ساخت؟ بجای این همه تخریبی که در پنجاه سال گذشته انجام گرفته چه چیزی بوجود آوریم؟ تمام زشتیها و گرفتاریها و کثافات شهرها در پنجاه سال اخیر ناشی از اینگونه تخریبها و قرار دادن آثاری بنجل بجای آنها بوده است .

چه کسانی تفکر تولیدی را از ما گرفتند و به چه شیوه‌ای عمل کردند؟ کسانی که نیاز داشتند محصولات خود را در بازارهای ما

آب کنند و این جز با انهدام سنتهای تولید بومی عملی نبود . لذا در زمینه معماری و شهرسازی بنا بر این قرار گرفت آنچه که بومی و ملی بود از سکه بیفتند و بدنبال آن سیل محصولات خارجی با نقشه‌های بی سرو ته غربی وارد این آب و خاک شود .

• در صدر انقلاب رهائی بخش اسلامیان باید از تمام منابع علمی هنری - فنی که با مر تولید ملی کمک خواهند کرد با کوشش هر چه بیشتر حفاظت کنیم .

بناهای قدیمی منابع علمی معماری ما را تشکیل میدهند اگر بخواهیم بنای کارآینده معماری کشورمان را بر روی افکار فنون خودی بگذاریم ناگزیریم که آنها را بشناسیم و تجزیه و تحلیل دقیقی از آنها بعمل آوریم ولی امروز با انفجار این حمام و فردا با تخریب آن مدرسه قدیمی معلوم نیست که مدارک عینی ما از معماری کشورمان چه خواهد بود .

آیا باید برای بدست آوردن مراجع و منابع معماری و شهر سازی کماکان به مدارس آمریکائی ، اروپائی ، ژاپنی امریکای لاتین و ..... بدریوزگی برویم ؟

" نقل از روزنامه انقلاب اسلامی "